

طرح افزایش درک مطلب کودکان دبستانی

با هدف توسعه سواد خواندن

پایه:

نام و نام خانوادگی:

پیدا

در کلاس درس



"دوره اول"

(نجیمه جمالی)

۲- با کلمات داخل کادر یک جمله بنویس.

روی، خستگی، درخت های، برد، از، شاخه ی، یکی از، وسط، راه، خوابشان

۳- چرا کلاغ قصه تصمیم گرفت دوستش را تا خانه برساند؟

۴- آیا می توانی با خلاقیت خود، یک کلمه دیگر مثل "قار بگو" یا "قار بخند" یا "قار بلند" بگویی؟

۵- کلاغ ها چه چیزی و کجا آن را خوردند؟

۶- در نهایت کلاغ های قصه ما کجا خوابیدند؟

۷- چرا کلاغه به خانه اش نرسید؟

"معاونت آموزشی"

"چرا کلاغ قصه به خانه نرسید"

یکی بود، یکی نبود، زیر گنبد آبی آسمان، کلاغی بود که خیلی مهربان بود.

یک روز کلاغ مهربان با دوستش به گردش رفتند، یک گردش حسابی و طولانی.

اول رفتند و روی پشت بام یک خانه نشستند و شروع کردند به "قار بگو" و "قار بخند". بعد بالای بلندترین درخت رفتند و مسابقه ی "قار بلند" دادند. سپس به یک باغ بزرگ رفتند و روی علف خانه ها را آنقدر گشتند تا لب حوض یک خانه بزرگ، یک قالب صابون دیدند. کلاغ قصه ما نگاهی به این طرف و آن طرف انداخت و مطمئن شد کسی آن دور و برها نیست، پر زد و رفت قالب صابون را از لب حوض برداشت و رفت پیش دوستش.

بعد با هم رفتند و ته باغ، روی چمن ها نشستند و با منقار صابون را از وسط نصف کرده و با هم مشغول خوردن شدند. وقتی حسابی سیر شدند، برای رسیدن به پرشاخ و برگ ترین درخت، مسابقه دادند و این روز خیلی خوب کلاغی بود.

اما بالاخره شب رسید و وقت خداحافظی شد. کلاغ معروف قصه ما که نمی خواست از دوستش جدا شود، تصمیم گرفت او را تا خانه برساند و خیالش راحت شود که به سلامت رسیده است. وقتی به خانه آنها رسیدند این بار دوستش دلش نیامد کلاغ مهربان قصه، تنهایی به خانه برگردد. پس تصمیم گرفت با دوستش تا خانه آنها برود.

اون شب کلاغ قصه ی ما و دوستش آن قدر همدیگر را تا خانه هایشان رساندند که صبح شد و از خستگی روی شاخه ی یکی از درخت های وسط راه خوابشان برد و هیچ کدام به خانه هایشان نرسیدند ...

قصه ی ما به سر رسید و این طور بود که "کلاغه به خانه اش نرسید."



فرزندان دلبندم؛ دقت کنید و به سؤالات زیر پاسخ دهید.

۱- کلاغ های قصه ما برای مسابقه "قار بلند" به کجا رفتند؟

الف) به جنگل رفتند. ب) به خانه مردم رفتند.

ج) به بالای بلندترین درخت رفتند. د) به پشت بام همسایه رفتند.

